

نام‌های نیکوی خداوند بخشنده و مهربان اسماء الحسنی

«اسماء الحسنی» یا نام‌های نیکوی خداوند نام‌هایی هستند که در اسلام برای «الله» به کار رفته است. غالباً شمار این نام‌ها را ۹۹ نام دانسته‌اند که بیشتر آن در قرآن آمده است، ولی برخی دیگر بر این باورند شمار آن‌ها بیشتر است.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، نام‌های خدا در قرآن مجموعه‌ای از بیش از ۲۰۰ نام خداوند است که در قرآن ذکر شده‌اند و اصطلاحاً، ۹۹ تای آن «اسماء الحسنی» یا نام‌های نیکوی خداوند خوانده می‌شوند. هر چند که تعداد نام‌های خدا، شامل صفت‌ها و کلمه‌های مرکب، در قرآن و سنت از ۹۹ عدد خیلی بیشتر هستند، ولی مسلمانان اعتقاد دارند که گروه برگزیده‌ای از نام‌ها (نام‌های نیکو)، تعدادشان ۹۹ عدد است. از میان این ۹۹ نام، ۸۵ تای آن مستقیماً در قرآن ذکر شده است. اما تعدادی از این نام‌ها مستقیماً در قرآن وجود ندارد. بعضی از محققان با رجوع به احادیث تا ۲۰۰ مورد از این نام‌ها را یافته‌اند.

این ۹۹ اسم خداوند به همراه معنی آن‌ها به شرح زیر است:

الرحمن: بخشاینده

الرحیم: مهربان

الملك: پادشاه

القدوس: مقدس

السلام: پاک و سلامتی بخش عالم

المؤمن: اطمینان دهنده

المهیم: نگهدارنده

العزیز: باشکوه

الجبار: توانگر

المتکبر: بسیار بزرگ

الخالق: آفریننده

البارئ: درست

المصور: نگارگر، صورتگر

الغفار: همیشه بخشاینده

القهار: فروکاهنده

الوهاب: نیک بخشاینده

الرزاق: همیشه روزی دهنده

الفتاح: گشاینده (پیروزکننده)

العلیم: داناترین

القابض: می‌راندند، بیرون کشنده جان‌ها

الباسط: گستراننده، فراخ کننده روزی

الخافض: پست کننده، خوار کننده

الرافع: (به سوی خود) بالا برنده

المعز: عزیزکننده

المذل: خوارکننده

السمیع: شنواترین

البصیر: بیناترین

الحکم: دادگر

العدل: بینهایت عادل

اللطیف: آن‌که بر بندگانش لطف دارد

الخبیر: آگاه‌ترین

الحلیم: بسیار بردبار

العظیم: بی‌انته

الغفور: بسیار بخشاینده

الشکور: بسیار سپاسگزار (پاداش دهنده بزرگ است مر عمل کوچک را)

العالی: بلند مرتبه

الکبیر: بزرگ‌ترین

الحفیظ: نگهدارنده

المقیت: خوراک دهنده

الحسیب: شمارنده

الجليل: بسیار گرانقدر
الکریم: بسیار بخشنده
الرقیب: نگهبان، بیننده و آماده
المجیب: پاسخگو
الواسع: گسترده، پهناور
الحکیم: فرزانه، بسیار خردمند
الودود: دوست
المجید: بسیار لایق ستایش (در ذات و صفات خود عظیم و نسبت به بندگان بسیار با خیر و احسان است)
الباعث: برانگیزنده مردگان
الشهید: بیننده
الحق: راست، درست
الوکیل: عهده دار همه امور بندگان و موجودات
القوی: پرزور
المتین: سخت (و نیز پاینده)
الولی: دوست، یار و نگهبان
الحمید: ستوده
المحصی: شمارنده
المبدئ: نخستین آفریننده
المعید: بازگرداننده، دوباره زنده کننده
المحیی: زندگی بخش، هستی بخش
الممیت: می‌راننده، نابود کننده
الهی: زنده
القیوم: قائم به ذات (همه-آفریننده‌ای که کسی او را نیافرید)، پاینده
الواجد: یابنده
الماجد: بزرگوار
الواحد: یکتای بی‌همتا
الاحد: یگانه (خدایی جز او نیست)
الصمد: بی‌نیاز
القادر: توانا
المقتدر: تعیین کننده (قضا و قدر)، فراتر
المقدم: فراپیش کشنده
المؤخر: فراپس دارنده، پس گذارنده چیزها و نهنده آنها بجای آنها
الأول: نخستین، اول پدیدارکننده وجود
الأخر: واپسین، آخر فناکننده موجود
الظاهر: آشکار(پدیدار، هویدا)، همیشه پیروز
الباطن: پنهان، همه دربرگیرنده
الوالی: یگانه سرپرستی که همه ولایتها از اوست
المتعالی: خود ستوده
البر: نیکوترین
التواب: همیشه توبه پذیر
المنتقم: انتقام گیر
العفو: درگذرنده(آمرزنده)، ناپدیدکننده گناهان
الرؤوف: بسیار دلسوز و مهربان
مالک الملک: فرمانروای جهان
ذوالجلال و الاکرام: دارای شکوه و بخشش
المقسط: عادل
الجامع: گردآورنده
الغنی: توانگر
المغنی: بی‌نیاز کننده، بسنده
المانع: بازدارنده
الضار: آزار دهنده (این صفت تنها در احادیث یافت می‌شود)
النافع: سودمند
النور: روشنی
الهادی: ره‌نما
البدیع: سنجش ناپذیر، آفریننده
الباقی: ماندگار و واگردان نشدنی (تغییر ناپذیر)
الوارث: مالک نهایی تمام مخلوقات

الرشيد: راهنما، آموزگار و دانای بی‌خطا
الصبور: شکیبا